

مقایسه سرمایه اجتماعی خانواده در همسران بینا و نابینا/کم‌بینا در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل

نرگس نیکخواه‌قمصری*، زهرا نعمت‌الهی**

مقدمه: بازتولید سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعهٔ هنجارها و روابط تسهیل‌کنندهٔ تعامل اجتماعی و شاخص سلامت یا بیماری جامعه است. نابینایی و کم‌بینایی به عنوان یک ویژگی فردی، تأثیری تعیین‌کننده بر نحوهٔ تحقق اهداف خانواده و در نتیجه سرمایه اجتماعی دارد. بر همین اساس، این مطالعه به بررسی تأثیر اختلال بینایی بر سرمایه اجتماعی خانواده پرداخته است.

روش: مطالعه حاضر با روش علی-مقایسه‌ای به مقایسهٔ سرمایه اجتماعی در دو گروه همسران بینا و نابینا/کم‌بینا در دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل با حجم نمونهٔ ۱۹۸ نفر پرداخته است.

یافته‌ها: سرمایه اجتماعی همسران بینا بیشتر از همسران نابینا/کم‌بیناست. در ضمن، سرمایه اجتماعی در دو بُعد ساختاری بیرونی و شناختی درونی در بین همسران مرد و زن نابینا/کم‌بینا متفاوت است، اما در گروه همسران بینا این تفاوت وجود ندارد. علاوه بر این، سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی برحسب وضعیت مسکن، سرمایه اجتماعی شناختی درونی برحسب تحصیلات، سرمایه اجتماعی ساختاری درونی و شناختی بیرونی برحسب درآمد، و سرمایه اجتماعی شناختی بیرونی، شناختی درونی و ساختاری درونی برحسب تعداد فرزند در همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است.

بحث: باتوجه به تأثیر وضعیت بینایی بر سرمایه اجتماعی خانواده، باید گفت که به طور خاص نابینایی/کم‌بینایی سرمایه اجتماعی خانواده را کاهش می‌دهد و در مقابل، عواملی چون سطح تحصیلات، درآمد و وضعیت مسکن از جمله عواملی هستند که تأثیر مثبت بر سرمایه اجتماعی خانواده دارند. بنابراین، باید برنامه‌ریزیها و راهکارهایی در زمینهٔ وضعیت مسکن و درآمد و همچنین هموار کردن مشکلات تحصیلی افراد نابینا/کم‌بینا صورت گیرد تا بدین ترتیب سرمایه اجتماعی خانوادهٔ این افراد افزایش یابد.

کلید واژه‌ها: اختلال نابینایی، خانواده، سرمایه اجتماعی ساختاری، سرمایه اجتماعی شناختی

تاریخ دریافت ۹۴/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۱۹

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه کاشان، <n_nikkhah_gh@kashanu.ac.ir>، (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء(س)

مقدمه

سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ظرفی از روابط و هنجارهایی است که کنش متقابل میان اعضای جامعه را تسهیل می‌کند (روستین و استول^۱، ۲۰۰۳). تغییر و دگرگونی در میزان سرمایه اجتماعی، نشانگر علائم بیماری یا سلامت هر جامعه است و جوامعی که میزان سرمایه اجتماعی آنها به هر دلیلی کاهش یابد، گسیختگی‌ها و شکاف‌های شگرفی در آن جوامع پدیدار می‌شود. بنابراین، سرمایه اجتماعی به صورت نوعی ضربه‌گیر اجتماعی عمل می‌کند. دانشمندان این حوزه مطالعاتی با تأکید بر ضرورت بازتولید مداوم سرمایه اجتماعی بر این باورند که «سرمایه اجتماعی اگر تجدید نشود، مستهلک می‌گردد و روابط اجتماعی اگر حفظ نشود، به تدریج از بین می‌رود» (کلمن، ۱۳۷۷). با مرور مطالعات انجام‌شده در رابطه با نابینایان و مسائل آنها متوجه شدیم که متأسفانه حضور و امکانات حضور آنها به مثابه یک شهروند در عرصه عمومی بسیار کم‌رنگ است، در حالی که ضروری است، سرمایه اجتماعی در بین همه افراد جامعه به‌خصوص افرادی که به نوعی از نظر جسمی نسبت به دیگر اعضای جامعه کاستی‌هایی دارند، بازتولید شود.

در مقابل چنین ضرورتی مبنی بر بازتولید سرمایه اجتماعی به منظور جلوگیری از کاهش و یا تخریب آن و در نتیجه بروز مسائل و مشکلات اجتماعی، عوامل و زمینه‌های مؤثر در تولید، تقویت و یا کاهش و تخریب آن یعنی خانواده، همسایگان، مدرسه و اجتماعات فوق‌برنامه که هر یک به نحوی در ایجاد ارتباطات و قواعد هنجاری سهیم می‌شوند (کلمن، ۱۹۹۸؛ مؤسسه ACT جوانان، ۲۰۰۳؛ سمینار ساگارو تعهد مدنی در آمریکا، ۲۰۰۱؛ استول، ۲۰۰۳). پژوهشگرانی چون بوردیو^۲ (۱۹۸۶)، کلمن^۳ (۱۹۸۸) و

1. Rothstein and Stolle
2. Bourdieu
3. Coleman

فوکویاما^۱ (۱۹۹۵) خانواده را یکی از ابزارهای کلیدی تولید، پرورش و انتقال سرمایه اجتماعی می‌شناسد. چرا که تجارب خانوادگی عمده‌ترین بخش تجارب هر فرد در جامعه را تشکیل می‌دهد. همچنین، حقیقتیان در تحقیقی (۲۰۱۰) به بررسی «تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های اصفهان» پرداخت و دریافت که سرمایه خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر مستقیم دارد.

از آنجا که در خانواده، افراد، سهم‌شدن و مشارکت در اجتماع را فرا می‌گیرند، درون آن هنجارهای عمل متقابل و مسئولیت‌پذیری تلقین و تثبیت می‌شود و افراد برای عمل متقابل و اعتماد به دیگران آماده می‌شوند، انواع خانواده‌ها (سنتی و مدرن، محدود یا گسترده) الگوهای نقشی قدرتمندی را عرضه می‌کنند و الگوهای عمل و محدوده‌های کنش را به فرزندان می‌آموزند، امید یا ناامیدی را می‌پروراند و پیوند با اجتماع وسیع‌تر را تدارک می‌بینند (انفیلد^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). اما از منظری دیگر، ابعاد گوناگون حیات خانواده از بدو پیدایش در نتیجه قرارداد رسمی ازدواج، ساختار و کارکردها و انحلال آن به واسطه طلاق، در تأثیر و تأثری متقابل با دیگر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تجربه زیسته هر یک از ارکان آن یعنی مرد (پدر)، زن (مادر) و فرزند (دختر و پسر) را به عنوان زیرساخت هویت شخصی و اجتماعی آنها سامان می‌دهد. تشکیل خانواده گرچه محصول تعامل پیچیده نیازهای بیولوژیک و فرهنگ و قواعد زیست اجتماعی هر جامعه بوده و برحسب کیفیت گزینش همسر و ویژگی‌های گروه مرجع گزینش، اشکال متنوعی را نشان می‌دهد، اما به نوبه خود به عنوان کلیتی یکپارچه متشکل از حداقل دو عضو ساختاری از روابط اقتدار و توزیع نقشها و مسئولیتها را ساخت می‌دهد که در پرتو تعاملی پویا با بسترهای اجتماعی و فرهنگی جامعه از یک سو و ویژگی‌های فردی (تواناییها و

1. Fukuyama

2. Enfiled

ناتوانی‌های واقعی یا خیالی) از سوی دیگر تأثیری تعیین‌کننده بر نحوهٔ تحقق کارکردهای آن در سطح درونی و بیرونی دارد.

در این میان، انواع معلولیت و اختلالات بینایی-شنوایی یکی از ارکان خانواده، از جمله عوامل مؤثر بر کیفیت روابط و عملکرد خانواده است که علی‌رغم اهمیت و گسترهٔ قلمرو تأثیر، چندان مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی قرار نگرفته است و تنها پژوهش‌هایی محدود در این زمینه انجام شده است. به طور مثال، قصیه تحقیقی را با عنوان «بررسی و مقایسه نیازهای والدین دانش‌آموزان نابینا، ناشنوا و عادی» انجام داد و دریافت که نیازهای مختلف این دو گروه از والدین با هم متفاوت است. نیازهای والدین دانش‌آموزان نابینا بیش از نیازهای والدین دانش‌آموزان ناشنوا و عادی است. بین شغل والدین و حجم خانواده (به‌ویژه در خانواده‌های دارای ۵-۶ فرزند) و سطح نیاز والدین رابطه وجود دارد.

همچنین امینی، حقانی، معصومی و نخعی (۱۳۸۶) با بررسی کیفیت زندگی جانبازان نابینا دریافتند که کاهش کیفیت زندگی پس از سن ۵۰ سالگی، نکته قابل توجهی است. با افزایش سطح تحصیلات، کیفیت زندگی افزون‌گشت، با این نکته که بیشترین اختلاف بین سطح دیپلم و سطوح بالاتر بود. تعداد مجروحیت همراه، علاوه بر نابینایی، خود، عامل دیگری برای افت کیفیت زندگی شناخته شد و کیفیت زندگی جانبازان نابینا و همسرانشان به یکدیگر وابسته بود.

از آنجا که افرادی که دچار اختلال و معلولیت هستند، با خانواده خود روابط بیشتری نسبت به دیگر اعضای جامعه دارند، بنابراین ضروری است که با مقایسهٔ سرمایهٔ اجتماعی خانوادهٔ افراد نابینا/کم‌بینا با افراد بینا معلوم شود اختلال موجود در بین یکی از اعضای خانواده چه تأثیری بر سرمایهٔ اجتماعی خانواده دارد. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی اثر اختلال بینایی (نابینایی و کم‌بینایی) بر میزان سرمایهٔ اجتماعی خانواده در دو سطح درونی و بیرونی، به مطالعهٔ تطبیقی سرمایهٔ اجتماعی همسران بینا و نابینا/کم‌بینا

می‌پردازد و خود را در برابر این پرسش می‌بیند که در بستر شرایط اجتماعی و فرهنگی شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل، میزان سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا چه تفاوتی با هم دارند؟ همچنین، سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا بر حسب متغیرهای زمینه‌ای چون سن، جنس، میزان تحصیلات و... چه تفاوتی با هم دارند؟

چارچوب نظری

همان‌طور که مطالعات نشان می‌دهد، خانواده، نخستین و مهم‌ترین واحد زیستی در جامعه است؛ فضای عاطفی، کیفیت الگوهای ارتباطی و ارزش‌های اساسی حاکم در خانواده بر نحوه شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و ویژگی‌های روانی-رفتاری اعضای آن تأثیرات ژرف پایدار دارد. خانواده به مثابه سیستمی است که ویژگی‌های آن به مثابه یک واحد و سیستم با اجزای تشکیل‌دهنده آن متفاوت است. شناخت نگرش‌های تمامی افراد خانواده (زن، مرد، فرزندان، پدران و مادران و...) به معنای شناخت سیستم خانواده به عنوان یک موجودیت کلی نیست. خانواده از تاریخچه و عملکردی خاص برخوردار است که ویژگی‌های آن با خصوصیات تک‌تک افراد خانواده تفاوت دارد و لازم است تعامل میان اجزای تشکیل‌دهنده این سیستم همواره در حال وقوع باشد؛ چرا که عمل یکی از اعضا بر تمامی افراد خانواده تأثیر می‌گذارد و برعکس هر تغییر جزئی هر گاه رخ دهد و خانواده چه در درون و چه از بیرون، تحت تأثیر قرار گیرد، بر کل آن سیستم تأثیر خواهد گذاشت و در عین حال، ثباتی اساسی و دارای اهمیت در هر خانواده، متضمن موقعیت هر یک از افراد در درون آن خانواده است (معاونت پژوهش، ۱۳۸۶).

بر اساس آنچه ابتدا در پرسش‌ها و اهداف این تحقیق بیان شد، این مطالعه، توصیفی جامع از عمده‌ترین مسائلی است که فرد نابینا/کم‌بینا در خانواده با آن مواجه می‌باشد. بنابراین، باتوجه به اهمیت جایگاه خانواده و باتوجه به شواهد تجربی (مشاهده و تجربه عینی

محقق) و مبانی نظری، سرمایه اجتماعی خانواده به عنوان محور مطالعاتی این پژوهش در نظر گرفته شد. به منظور تبیین سرمایه اجتماعی خانواده، از نظریه سرمایه اجتماعی کلمن استفاده شده است که طبق آن، خانواده افراد نابینا/کم‌بینا به علت ایجاد سرمایه اجتماعی، نقش مهمی در شناسایی و توصیف جایگاه افراد نابینا/کم‌بینا دارند. بدین منظور در این پژوهش سعی شده است به روابط و تعاملات بین زنان و مردان (همسران) نابینا/کم‌بینا توجه شود.

روش

تحقیق حاضر با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه ۴۰۸ نفر از نابینایان و کم‌بینایان دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل بودند که از این تعداد ۳۰۲ نفر مربوط به شهرستان کاشان و ۱۳۶ نفر مربوط به شهرستان آران و بیدگل بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با احتساب ضریب خطای ۰/۰۵، ۱۹۸ نفر برآورد گردید که در تحقیق حاضر به علت وجود محدودیتها و مشکلات در دسترسی به افراد، ۶۱ نفر از همسران نابینا و کم‌بینا در دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل مورد بررسی قرار گرفتند و در نهایت این افراد با تعداد ۶۱ نفر از همسران بینا در این دو شهرستان مقایسه شدند. شیوه نمونه‌گیری، احتمالی و از نوع تصادفی ساده بود. پرسشنامه پژوهش از نوع محقق‌ساخته بود که اعتبار^۱ آن با روش اعتبار صوری تأمین شد. یعنی پرسشنامه توسط چند تن از اساتید جامعه‌شناسی بررسی و نکات اصلاحی آنها در پرسشنامه منظور شد. در پرسشنامه مذکور، متغیر وابسته، سرمایه اجتماعی بود که در چهار بُعد شناختی درونی، شناختی بیرونی، ساختاری درونی و ساختاری بیرونی بررسی شد. همچنین متغیرهای زمینه‌ای که به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند، شامل وضعیت مسکن، هزینه، درآمد، تعداد فرزند، جنسیت و تحصیلات بودند.

1. validity

جدول (۱) برآورد پایایی شاخص‌های تحقیق

همسران (زنان و مردان متاهل) نابینا/کم‌بینا		فرزندان نابینا/کم‌بینا	
متغیرها	α	متغیرها	α
هویت	۰/۶۰	هویت	۰/۶۰
سرمایه اجتماعی	۰/۹۳	سرمایه اجتماعی	۰/۹۲
قلمرو حوزه قدرت	۰/۷۶	اجتماعی شدن	۰/۷۴
برابری روابط			
شیوه اعمال قدرت			
۰/۶۷			

پایایی پرسشنامه نیز، که به بررسی قابلیت تکرارپذیری آن می‌پردازد، با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد و نتایج نشان داد که حداقل مقدار آلفا برای شاخصها برابر با ۰/۵۷ است و این نشان‌دهنده سازگاری درونی گویه‌های شاخص‌های مورد بررسی است (جدول ۱).

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و همسران بینا

جدول (۲) سرمایه اجتماعی همسران بینا و نابینا/کم‌بینا را نشان می‌دهد که طبق آن، سرمایه اجتماعی ساختاری درونی و بیرونی همسران بینا بیشتر از سرمایه اجتماعی ساختاری درونی و بیرونی همسران نابینا/کم‌بینا است. همچنین، سرمایه اجتماعی شناختی درونی و بیرونی افراد نابینا/کم‌بینا بیشتر از سرمایه اجتماعی شناختی درونی و بیرونی افراد بینا است. در کل، میانگین سرمایه اجتماعی همسران بینا ($M=۳/۴۸$, $SD=۰/۴۳$) بیشتر از سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا ($M=۳/۳۷$, $SD=۰/۵۱$) است.

جدول (۲) آماره‌های توصیفی سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در همسران نابینا/کم‌بینا و بینا

SD	M	max	min	همسران	ابعاد سرمایه اجتماعی
۰/۹۱	۳/۳۷	۴/۷۱	۱/۵۷	نابینا/کم‌بینا	ساختاری درونی
۰/۷۹	۳/۸۰	۵	۲	بینا	
۰/۵۸	۲/۵۱	۳/۶۷	۱/۴۴	نابینا/کم‌بینا	ساختاری بیرونی
۰/۷۷	۲/۷۹	۵	۱/۴۴	بینا	
۰/۶۷	۴/۰۱	۵	۲/۲۹	نابینا/کم‌بینا	شناختی درونی
۰/۵۷	۳/۹۴	۴/۸۳	۳/۰۸	بینا	
۰/۵۳	۳/۱۴	۴/۱۷	۱/۹۲	نابینا/کم‌بینا	شناختی بیرونی
۰/۶۵	۳/۱۳	۵	۲/۱۷	بینا	
۰/۵۱	۳/۳۷	۴/۱۰	۲/۰۱	نابینا/کم‌بینا	کل
۰/۴۳	۳/۴۸	۴/۱۹	۲/۸۰	بینا	

با فهم اینکه سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا به طور کلی کمتر از همسران بینا است، در ادامه به دنبال این هستیم که دریابیم چه عواملی بر سرمایه اجتماعی خانواده همسران نابینا/کم‌بینا تأثیرگذار است و باید مورد توجه قرار بگیرد.

مقایسه سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا برحسب جنسیت

جدول (۳) نتایج حاصل از مقایسه سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا برحسب جنسیت را نشان می‌دهد که طبق آن، در کل، میزان سرمایه اجتماعی در دو بُعد ساختاری بیرونی و شناختی درونی در بین همسران مرد و زن نابینا/کم‌بینا متفاوت است، اما در مورد دو بُعد ساختاری درونی و شناختی بیرونی این تفاوت وجود ندارد:

جدول (۳) آزمون تفاوت سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا برحسب جنسیت

نوع سرمایه اجتماعی	گروهها	جنسیت	n	M	SD	t	df	p
سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی	نابینا/کم‌بینا	مرد	۳۰	۲/۴۰	۰/۴۹	۱/۶۳	۲۳	<۰/۰۵
		زن	۱۱	۲/۷۹	۰/۷۳			
سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی	بینا	مرد	۱۳	۲/۷۳	۰/۹۳	۰/۳۹	۲۳	>۰/۰۵
		زن	۱۲	۲/۸۶	۰/۶۰			
سرمایه اجتماعی شناختی درونی	نابینا/کم‌بینا	مرد	۲۸	۴/۱۸	۰/۵۴	۲/۰۸	۲۳	<۰/۰۵
		زن	۱۱	۳/۶۰	۰/۸۴			
سرمایه اجتماعی شناختی درونی	بینا	مرد	۹	۳/۷۶	۰/۶۲	۱/۳۷	۲۳	>۰/۰۵
		زن	۹	۴/۱۲	۰/۷۰			

۱. میانگین سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی برای زنان نابینا/کم‌بینا ($M=۲/۷۹$)، بیشتر از مردان نابینا/کم‌بینا ($M=۲/۴۰$ ، $SD=۰/۷۳$) است ($t=۱/۶۳$ ، $p<۰/۰۵$).
۲. میانگین سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی در بین زنان و مردان بینا تفاوتی ندارد ($t=۰/۳۹$ ، $p>۰/۰۵$).
۳. میانگین سرمایه اجتماعی شناختی درونی برای مردان نابینا/کم‌بینا ($M=۴/۱۸$)، بیشتر از زنان نابینا/کم‌بینا ($M=۳/۶۰$ ، $SD=۰/۵۴$) است ($t=۲/۰۸$ ، $p<۰/۰۵$).
۴. میانگین سرمایه اجتماعی شناختی درونی در بین مردان بینا ($M=۳/۷۶$ ، $SD=۰/۶۲$) و زنان بینا ($M=۴/۱۲$ ، $SD=۰/۷۰$) یکسان است ($t=۱/۳۷$ ، $p>۰/۰۵$).

مقایسه سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

- جدول (۴) نتایج حاصل از مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا برحسب متغیر زمینه‌ای شامل هزینه، تحصیلات، مسکن، درآمد و تعداد فرزند را نشان می‌دهد:
۱. میانگین سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی برحسب هزینه در بین همسران بینا

متفاوت است ($F=۳/۳۸$ ، $p<۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینا متفاوتی ندارد ($F=۲/۰۸$ ، $p>۰/۰۰۱$). بنابراین، با توجه به یافته‌ها، از نظر هزینه، یک بُعد سرمایه اجتماعی (ساختاری بیرونی) در بین همسران بینا متفاوت است و سه بُعد دیگر سرمایه اجتماعی (ساختاری درونی، شناختی درونی و بیرونی) در بین همسران بینا و نابینا/کم‌بینا تفاوتی ندارند.

۲. برحسب تحصیلات، میانگین سرمایه اجتماعی شناختی درونی در بین همسران بینا تفاوتی ندارد ($F=۱/۱۵$ ، $p>۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینای دارای تحصیلات گوناگون متفاوت است ($F=۳/۹۷$ ، $p<۰/۰۰۱$).

۳. میانگین سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی برحسب مسکن در بین همسران بینا تفاوتی ندارد ($F=۰/۳۷$ ، $p>۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است ($F=۳/۲۴$ ، $p<۰/۰۵$). بنابراین، یک بُعد سرمایه اجتماعی (ساختاری بیرونی) در بین همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است و در مورد سه بُعد دیگر سرمایه اجتماعی (ساختاری درونی و شناختی درونی و بیرونی) در دو گروه همسران بینا و نابینا/کم‌بینا این تفاوت وجود ندارد.

۴. برحسب درآمد، نتایج به این شرح بود: اول) میانگین سرمایه اجتماعی ساختاری درونی در بین همسران بینا تفاوتی ندارد ($F=۲/۴۴$ ، $p>۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است ($F=۳/۴۴$ ، $p<۰/۰۵$). دوم) میانگین سرمایه اجتماعی شناختی بیرونی در بین همسران بینا تفاوتی ندارد ($F=۰/۴۳$ ، $p>۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است ($F=۲/۵۹$ ، $p<۰/۰۵$). پس نتیجه می‌گیریم که دو بُعد سرمایه اجتماعی (ساختاری درونی و شناختی بیرونی) در بین همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت‌اند و دو بُعد دیگر آن (سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی و شناختی درونی) در دو گروه همسران بینا و نابینا/کم‌بینا تفاوتی ندارند.

جدول (۴) آزمون تفاوت سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا برحسب متغیرهای زمینه‌ای

<i>p</i>	F	متغیرها	
<۰/۰۵	۳/۳۸	بینا	هزینه و سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی
>۰/۰۵	۲/۰۸	نابینا/کم‌بینا	
>۰/۰۵	۱/۱۵	بینا	تحصیلات و سرمایه اجتماعی شناختی درونی
<۰/۰۰۱	۳/۹۷	نابینا/کم‌بینا	
>۰/۰۵	۰/۳۷	بینا	مسکن و سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی
<۰/۰۵	۳/۲۴	نابینا/کم‌بینا	
>۰/۰۵	۲/۴۴	بینا	سرمایه اجتماعی ساختاری درونی
<۰/۰۵	۳/۴۴	نابینا/کم‌بینا	
>۰/۰۵	۰/۴۳	بینا	سرمایه اجتماعی شناختی بیرونی
<۰/۰۵	۲/۵۹	نابینا/کم‌بینا	
>۰/۰۵	۰/۸۰	بینا	سرمایه اجتماعی ساختاری درونی
<۰/۰۰۱	۷/۰۹	نابینا/کم‌بینا	
>۰/۰۵	۱/۰۸	بینا	سرمایه اجتماعی شناختی درونی
<۰/۰۰۱	۵/۷۴	نابینا/کم‌بینا	
>۰/۰۵	۰/۲۹	بینا	سرمایه اجتماعی شناختی بیرونی
<۰/۰۰۱	۵/۰۹	نابینا/کم‌بینا	

۵. برحسب تعداد فرزند، نتایج به این شرح بود: اول) میانگین سرمایه اجتماعی ساختاری درونی در بین همسران بینا تفاوتی ندارد ($F=۰/۸۰$, $p>۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است ($F=۷/۰۹$, $p<۰/۰۰۱$). دوم) میانگین سرمایه اجتماعی شناختی درونی در بین همسران بینا تفاوتی ندارد ($F=۱/۰۸$, $p>۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است ($F=۵/۷۴$, $p<۰/۰۰۱$). سوم) میانگین سرمایه اجتماعی شناختی بیرونی در بین همسران بینا تفاوتی ندارد ($F=۰/۲۹$, $p>۰/۰۵$)، اما میانگین آن در گروه همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است ($F=۵/۰۹$, $p<۰/۰۰۱$).

بحث

محور اصلی این پژوهش، بررسی تطبیقی سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا و بینا در دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل است. تحقیقاتی که در زمینه سرمایه اجتماعی انجام شده‌اند، به نوعی به بررسی سرمایه اجتماعی افرادی پرداخته‌اند که از نظر جسمانی سالم بودند و یا اگر به افراد دارای ناتوانی جسمی پرداخته‌اند، به طور کلی نیازهای والدین آنها یا کیفیت زندگی افراد معلول را بررسی کرده و به طور خاص تحقیقی در زمینه سرمایه اجتماعی خانواده افراد معلول و به طور اخص افراد نابینا/کم‌بینا صورت نگرفته است، در حالی که تعداد قابل توجهی از جمعیت معلولین را افراد نابینا/کم‌بینا تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب باتوجه به اهمیت جایگاه خانواده در زندگی نابینایان/کم‌بینایان، سرمایه اجتماعی خانواده به عنوان محور مطالعاتی این پژوهش در نظر گرفته شد. در این پژوهش، با پیروی از نظریه سرمایه اجتماعی کلمن به منظور تبیین سرمایه اجتماعی خانواده سعی شد جایگاه افراد نابینا/کم‌بینا توصیف و در نهایت با جایگاه افراد بینا در جامعه مورد نظر مقایسه شود. بر این اساس، نتایج توصیفی پژوهش نشان داد که سرمایه اجتماعی همسران بینا ($M=3/48$) بیشتر از سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا ($M=3/37$) است. نتایج تحلیلی نیز نشان داد که سرمایه اجتماعی افراد نابینا/کم‌بینا برحسب متغیرهای زمینه‌ای چون هزینه، تحصیلات، وضعیت مسکن، درآمد و تعداد فرزندان متفاوت است. در مورد تفاوت سرمایه اجتماعی برحسب هزینه، نتایج نشان داد که تنها سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی در بین همسران بینا متفاوت است و سه بُعد دیگر سرمایه اجتماعی ساختاری درونی، شناختی درونی و بیرونی در بین همسران بینا و نابینا/کم‌بینا تفاوتی ندارند.

همچنین، در مورد تفاوت سرمایه اجتماعی بر حسب مسکن، تنها یک بُعد از سرمایه اجتماعی (ساختاری بیرونی) در بین همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است و سه بُعد دیگر سرمایه اجتماعی (ساختاری درونی و شناختی درونی و بیرونی) در بین همسران بینا و

نابینا/کم‌بینا تفاوتی ندارند. همچنین سرمایه اجتماعی شناختی درونی برحسب وضعیت تحصیلات افراد نابینا/کم‌بینا متفاوت است، در حالی که برحسب میزان تحصیلات همسران بینا تفاوتی ندارد.

در مورد تفاوت سرمایه اجتماعی برحسب درآمد، نتایج نشان داد که دو بُعد سرمایه اجتماعی (ساختاری درونی و شناختی بیرونی) در بین همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است و دو بُعد دیگر سرمایه اجتماعی (ساختاری بیرونی و شناختی درونی) در بین همسران بینا و نابینا/کم‌بینا تفاوتی ندارند. همچنین، سرمایه اجتماعی شناختی بیرونی، شناختی درونی و ساختاری درونی برحسب تعداد فرزندان در بین همسران نابینا/کم‌بینا متفاوت است، در حالی که در همسران بینا تفاوتی در سرمایه اجتماعی شناختی بیرونی برحسب تعداد فرزندان وجود ندارد. در مورد تفاوت سرمایه اجتماعی ساختاری بیرونی و تعداد فرزندان، تفاوتی بین همسران نابینا/کم‌بینا و بینا مشاهده نشد.

به‌طور کلی، متغیرهای زمینه‌ای بر میزان سرمایه اجتماعی همسران نابینا/کم‌بینا تأثیرگذارتر بودند، در حالی که بر سرمایه اجتماعی افراد بینا تأثیر چندانی نداشتند. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، وضعیت بینایی بر سرمایه اجتماعی خانواده تأثیر بسزایی دارد و به‌طور خاص نابینایی/کم‌بینایی سرمایه اجتماعی خانواده را کاهش می‌دهد. در مقابل، عواملی چون سطح تحصیلات، میزان درآمد و وضعیت مسکن از جمله عواملی هستند که تأثیر مثبت بر سرمایه اجتماعی خانواده داشته و آن را افزایش می‌دهند. بدین معنی که با افزایش سطح تحصیلات، میزان درآمد و بهبود وضعیت مسکن، سرمایه اجتماعی خانواده نابینایان/کم‌بینایان افزایش می‌یابد. بنابراین باید برنامه‌ریزیها و راهکارهایی در زمینه وضعیت مسکن، میزان درآمد و همچنین هموارکردن مشکلات تحصیلی افراد نابینا/کم‌بینا صورت گیرد تا بدین ترتیب سرمایه اجتماعی خانواده این افراد افزایش یابد.

- اشنایدر، باربارا (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، ترجمه داوود حیدری، *مجله رشد آموزش علوم اجتماعی* (ویژه نامه سرمایه اجتماعی)، دوره نهم، شماره ۲: صص: ۵۹-۵۴
- امینی، رضا، حمید حقانی، مهدی معصومی، معصومه نخعی (۱۳۸۶)، کیفیت زندگی جانبازان نابینا در سال ۱۳۸۶، *مجله علمی پژوهشی طب جانباز*، سال اول، شماره دوم، ۲۴-۳۵
- تاجبخش، کیان (به کوشش)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران، نشر شیرازه، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- عبداللهی، محمد، حسیت محمد عثمان (۱۳۸۱)، گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره چهارم، شماره ۴.
- سلامتی، پیمان، فرید ابوالحسنی، بتول شریعتی، محمد کمالی (۱۳۸۵)، آموزش در خانواده، راهبرد اصلی توانبخشی مبتنی بر جامعه در ایران، *فصلنامه توانبخشی*، دوره ۷، شماره ۳
- علیوردی نیا، اکبر، محمود شارع پور و مهدیورمزیار (۱۳۸۷) سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری، *پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۳۲-۱۰۷
- علیوردی نیا، اکبر، محمود شارع پور، مهدی ورمزیار (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری، *پژوهش زنان*، دوره ۶، صص ۱۰۷-۱۳۲
- قصبه، آریتا، (۱۳۸۴) بررسی و مقایسه نیازهای والدین دانش آموزان نابینا، و ناشنوا و عادی، *مجله تعلیم و تربیت استثنایی*، مرداد، شماره ۴۴، صص ۱۲ تا ۱۷
- کلمن، جیمز. ۱۳۷۷. *بنیادهای نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران. نشر نی
- نازک تبار، حسن و رضا ویسی (۱۳۸۷)، واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با تحصیل فرزندان، *مجله فرایند مدیریت و توسعه*، شماره ۶۸-۶۹، صص ۱۴۹-۱۲۳
- نوغانی، محسن (۱۳۸۱)، تحلیل جامعه شناختی موفقیت در ورود به آموزش عالی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز
- وحیدا فریدون، کلانتری، احمد، فاتحی، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، رابطه سرمایه اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد هفدهم، شماره دوم

- Bourdieu Pierre and Hans Hacker (1995) Free exchange. Stanford.
- Brinkerhoff, David, & White, Lynn, K. (1988). *Journal of marriage & the family*. 30:260.
- Coleman James . S. (1988) Social capital in the creation of Human Capital *American Journal of Sociology* 94 (Supplement) . Pp 95-120
- De Silva, M. (2005) "*Contextual and Composition? Social Capital and Maternal Health in Low Income Countries*", Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy, Faculty of Medicine, University of London.
- Harp hum (2002) *Development theory and three worlds*. 2nd edition. USA. Longman, Scientific & Technical.
- Haghightatian M. (2010) The effects of family social capital on students' school achievements in Esfahan high schools. *Journal of Applied Sociology* 21th year, Vol. 39.No.3.
- Mc Onil Ralf (1999).
- Pawell M. and Parcel L. (1993) Parental work.